

محکمترین دستگیره های ایمان

آیت الله مجتبی تهرانی با تشریح حدیثی، بر دوستی و دشمنی بر محور خدا تأکید کرد و گفت: محکمترین دستگیره ایمان این است که انسان دوستی و دشمنی‌اش با دیگران بر محور خدا باشد نه هوای نفس.



محکمترین دستگیره های ایمان/ راه نجات از هلاکت چیست

آیت الله مجتبی تهرانی با تشریح حدیثی، بر دوستی و دشمنی بر محور خدا تأکید کرد و گفت: محکمترین دستگیره ایمان این است که انسان دوستی و دشمنی‌اش با دیگران بر محور خدا باشد نه هوای نفس. به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت ایام شهادت امام صادق(ع) حدیثی در مورد نعمتهای خداوند و خواسته انسان به شرح آیت الله مجتبی تهرانی در پی می آید:

روی عن الصادق(عليه السلام) قال: قال رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم) يا أصحابه إني عزي الإيمان أوثق فقالوا الله ورسوله أعلم وقال بعضهم الصلوة وقال بعضهم الزكاة ... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لكل ما قلتم فضل وليس به ولكن أوثق عزي الإيمان الحب في الله والبغض في الله وتوالي أولياء الله والتبزي من أعداء الله .

از امام صادق «؛ صلوات الله عليه«؛ منقول است که حضرت در روایتی فرمودند: پیغمبر اکرم(ص) به اصحابشان فرمودند: «؛ إني عزي الإيمان أوثق«؛ " در میان دستگیره های ایمان کدامیک محکمتر است؟" معلوم می شود انسان می تواند با تمسک جستن به ایمان، خودش را نجات و از هلاکت نجات بخشد. همچنین معلوم می شود ایمان چندین دستگیره دارد که هر که به آنها تمسک پیدا کند نجات می یابد. حال حضرت سؤال می کنند که در بین اینها کدام یک محکمتر و اطمینان بخش تر است؟ چون هرچه محکمتر باشد آدم را بهتر از پرتگاه نجات می دهد.

در جواب عرض کردند: «؛ الله ورسوله أعلم«؛ خدا و پیامبرش بهتر می دانند؛ «؛ وقال بعضهم الصلوة«؛ بعد برخی از اصحاب گفتند: نماز؛ «؛ وقال بعضهم الزكاة«؛ برخی دیگر گفتند: زکات؛ هر یک از اصحاب با اینکه گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می دانند؛ اظهار نظر کردند. بعد از اینکه اظهارنظرها تمام شد، پیامبر(ص) فرمودند: «؛ لكل ما قلتم فضل وليس به«؛ اینهایی اسم بردید، همه فضیلت دارند و دستگیره و نجات بخش هستند، اما من به دنبال محکمترین آنها هستم که اگر انسان به آن متمسک شد و آن را پیشه گرفت، هیچگاه سرنگون نمی شود و به هلاکت نمی رسد.

سپس حضرت فرمودند: «؛ ولكن أوثق عزي الإيمان الحب في الله والبغض في الله«؛ محکمترین دستگیره ایمان این است که انسان دوستی و دشمنی‌اش با دیگران بر محور خدا باشد نه هوای نفس. حضرت معیار می دهند، اگر کسی را دوست داری برای خدا دوست بدار نه برای غیر خدا، مثل امور مادی دنیایی یا هوای نفس و اگر کسی هم در نزد ما مبعوض و مطرود است، باید به خاطر خدا باشد نه هوای نفس. مثلاً چون می بینم او دارد از احکام الله تخلف می کند مطرود من می شود. «؛ دوستی بر محور خدا، دشمنی بر محور خدا«؛.

حضرت در ادامه فرمودند: «؛ وتوالي أولياء الله«؛ و رابطه دوستی و سرپرستی با کسانی برقرار کن که دوستان خدا هستند؛ یعنی اگر در روابط اجتماعی می خواهی با کسی رفیق شوی، برو کسی را پیدا کن که از اولیای خدا است. بحث اول در رابطه با دوستی بود، اما این بحث در مورد رفاقت و سرپرستی است.

در عبارت بعد حضرت می فرمایند: «؛ والتبزي من أعداء الله«؛ از دشمنان خدا برائت بجوی و کناره گیری کن. نباید نسبت به کسانی که ضدیت با خدا دارند بی تفاوت باشی، بلکه باید از آنها تبزی بجویی. «؛ تبزي«؛ یعنی هیچ گونه رابطه ای، چه درونی و چه بیرونی با او برقرار نکنی. مثلاً تا می گویند: فلانی، بگو: بنده با ایشان کاری ندارم و او با من هیچ ارتباطی ندارد.